

مجموعه مباحث اخلاقی

کلب یقین روشنی چشم مؤمنین

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۲۷ اردیبهشت، ۳ خرداد ۱۳۸۵

۱۹ و ۲۶ ربیع الثاني ۱۴۲۷

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« يا من كلُّ هاربٍ إليه يلتجئ وكلُّ طالبٍ إياه يرتجى يا خير موجودٍ يا
اكرم مدعوً يا من لا يزدُّ سائله ولا يخيبُ آمله يا من بابه مفتوحٌ لداعيه وحجابه
مرفوعٌ لراجيه أسألك بكرمك أن تمن عليّ من عطائك بما تقرُّ به عيني » .

فلاصه بمت جلسه قبل

جلسه قبل در حد بضاعت در کلمات امام سجاد عليه السلام تأمل نمودیم .
گفته شد که توحید و شناخت توحیدی دارای مراتبی است . همچنین تحصیل
معرفت و تلاش جهت خداشناسی به انسان کمک می کند تا روح خویش را
تعالی ببخشد . در پایان نیز گفتیم که حاصل طی این مراتب رسیدن به درجه
بندگی خداوند است .

نیایش و آموزش

این فراز قسمت پایانی دعا است که اگر عزیزان توجه کرده باشند امام

سجاد علیه السلام با مضامین بسیار دقیق و در عین حال شیوا ذات باری تعالی را توصیف می‌نماید. این توصیفات جدای از جنبه دعا و نیایش، دارای بعد آموزش برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز می‌باشد. در واقع امام علیه السلام از ابتدای دعا تا کنون شیوه و روش دعا و طلب از خداوند را بیان می‌فرمایند. نکته بعد در این نیایش، آموزش و راهنمایی بندگان به سوی متاعی است که باید از خداوند طلب نمود.

آغاز دعا سراسر توصیفات خداوند است. امام علیه السلام می‌فرمایند: ای خدایی که بنده هر چه بخواهد به او عطا می‌نمایی؛ ای خدایی که بنده هر چه به تو نزدیک شد تو با گامهای بلندتری به سوی او می‌آیی؛ ای خدای مهربان که بر تمام گناهان بندگان سرپوش می‌گذاری.

بعد از اتمام توصیفات و در هنگام طلب و نتیجه‌گیری امام علیه السلام می‌فرمایند:

الف:

« اسئلك بکرمك أن تمنّ علیّ من عطائك بما تقرّبه عینی ».

از خوان کرم تو می‌خواهم که بر من منت گذاری و به من هدیه‌ای عنایت کنی

که موجب روشنایی چشمم گردد.

عطا یا و نعمات الهی بی شمار هستند. اگر عنایت الهی به بندگان لحظه‌ای قطع شود این انقطاع مساوی نابودی می‌باشد. امام علیه السلام در اولین خواهش از خداوند می‌خواهد که عطیه‌ای به من عنایت نما که چشم مرا روشن کند.

ب :

« ومن رجائك بما تطمئن به نفسي » .

خدایا آنقدر مرا به خود امیدوار کن که در خود اطمینان و سکون احساس کنم .
امام علیه السلام سرمایه‌ امیدى از خداوند مى‌خواهد که حاصل این امید آرامش قلبى و روحى باشد . امام علیه السلام امیدى را خواهان است که باعث حرص و ولع نمى‌گردد بلکه امیدى که در پی آن نعمت سکینه و آرامش قرار داشته باشد . زیرا امید بی قید و شرط به حرص و یا آرزوهای طولانى بدون یاد خدا منتهى مى‌گردد .

ج :

« ومن اليقين بما تُبَوِّن به على مصيبات الدنيا » .

خدایا آنچنان یقینى به من عنایت کن که همه‌ مصائب دنیا پیش چشم من کوچک جلوه کند و تحمل مشاکل آسان شود .

د :

« وتجلو به عن بصيرتى غشوات العمى » .

خدایا در سایه این یقین یک روشن بینى و بصیرتى به من بده که پرده‌های نا بینایى و کورى را از پیش چشمان من کنار بزند .
چهار خواهش که هر یک دارای مطالب بسیار عمیق و دقیق مى‌باشد .
در این فرصت کوتاه به اندازه توان این مفاهیم را تبیین خواهیم کرد .
امام علیه السلام در فرازهای آغازین دعا ، پایه‌های اعتقادى را تحکیم

می‌نماید. ایشان با تأکید بر مسئله توحید و توضیح پیرامون آن و بیان این مسئله که جز ذات اقدس ربوبی هیچ پناهی وجود ندارد چند عبارت امیدوار کننده نیز بیان می‌نماید سپس خواهشهای خود را آغاز می‌نماید.

نعمتهای موجب روشنی چشم

اولین خواهش امام علیه السلام از باری تعالی این است که عطیه‌ای عنایت فرما که نور چشم من باشد. حال باید در مصادر روایی و آیات دقت کنیم تا ببینیم اهل بیت علیهم السلام چه چیزی را به عنوان نور چشم «قره العین» معرفی نموده‌اند. کدام نعمت از نعمات الهی به این صفت خوانده شده است.

خداوند در قرآن کریم در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾^(۱).

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشواگردان.

معلوم می‌شود یکی از مصادیق نعمت‌هایی که موجب روشنایی چشم بشر در دنیا و آخرت است، داشتن خانواده خوب، اهل و فرزند خوب است. در یک روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه نقل شده است:

«اطلبوا الولد والتمسوه فانّه قره العین»^(۲).

فرزند پسر بخواهید که پسر، موجب روشنایی چشم است.

۱ - سوره فرقان، آیه ۷۴.

۲ - مکارم الاخلاق، صفحه ۲۲۴.

این تعبیرات در کلمات معصومین علیهم السلام زیاد است. در اقبال سید بن طاووس رحمته الله علیه دعایی را نقل می‌کند که مفصل است،

« اللهم وأعطني السعة في الرزق والأمن في الوطن ، وقررة العين في
الاهل والمال والولد »^(۱).

خدایا به من وسعت در روزی و امنیت در وطن و نور چشم در خانواده و مال
و فرزند عنایت فرما.»

معلوم می‌شود که مال، زن و فرزند هم موجب روشنایی چشم
می‌شوند، این نعماتی که خداوند به انسان ارزانی می‌کند اگر انسان در قبال
آنها شاکر نباشد و سوء تدبیر کند در عوض نور چشم بودن، موجب گرفتاری
و یا سرافکندگی دنیا و آخرت می‌گردد. مال و ثروتی که خدا به انسان داده با
سوء تدبیر تبدیل به گرفتاری شبانه روزی می‌گردد. خداوند برای هر کسی
کفوی در نظر گرفته است اگر انسان در مسیر نادرست قدم بر دارد این همسر
که نور چشم انسان است تبدیل به مصیبت زندگی می‌گردد. همچنین وقتی که
همسر مناسب نباشد جز شقاوت برای انسان چیزی به دنبال نخواهد داشت.
در مورد فرزند هم همینطور است به خصوص ما طلبه‌ها و اهل علم، گاهی
خداوند فرزند، آن هم فرزند پسر عنایت می‌کند آن قدر خودمان را غرق در
کارهای جاری می‌کنیم که از خانواده و تربیت فرزند غافل می‌شویم. گاهی هم
رفتار و سلوک ما در خانه به گونه‌ایی است که فرزند از گرایش و حرکت در

۱- اقبال الأعمال، صفحه ۱۷۱.

مسیر ما گریزان می‌شود. من این را عرض کنم که این گاهی از مشاکل خانواده‌های ما اهل علم و روحانیت است که می‌بینیم آقای محترم، با فضیلت، صاحب عنوان، مؤثر در حوزه دارای فرزندی است که حاضر به طلبه شدن نمی‌باشد.

مقداری از این طرز تفکر فرزندان و نگرش منفی آنان نسبت به روحانیت به مشکلات اجتماعی باز می‌گردد. ولی مقدار عمده آن به سلوک این آقا در خانواده باز می‌گردد. اگر سلوکش، مطابق با موازین اخلاقی و شرعی باشد قطعاً برای فرزند جاذبه خواهد داشت و او نیز در این مسیر حرکت خواهد کرد. والا فرزند چه دختر و چه پسر گریزان خواهند شد. دختر حاضر به قبول خواستگار طلبه نیست پسر هم حتی حاضر به رعایت کوچکترین ظواهر شرعی نمی‌باشد. لذا آقایان توجه کنند سخت گیرها، زهد فروشی بی‌جهت، مشقت درست کردن برای خانواده، تبختر و تکبر در خانه، به عوض صمیمیت و رفاقت با زن و فرزند و بی‌اعتنایی کردن، اینها ثمراتش چه خواهد بود؟ در هر حال رفتار ما در خانه و خانواده با همسر و نزدیکان باید به گونه‌ای باشد که همگان را جذب کند و رفتار و سلوک ما در حکم تبلیغ دین باشد. ما که منتسب به روحانیت هستیم در جامعه حساسیت بیشتری در مورد رفتار و افعال ما وجود دارد. هر گونه بی‌قیدی و بی‌توجهی به موازین شرعی باعث گریز نزدیکان و بستگان و کسانی که با ما در ارتباط هستند می‌گردد. از مصادیق دیگر «قره العین» که در متون آمده روایتی است که

مرحوم مجلسی در بحار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

« ان من قرءة العين التسليم إلینا أن تقولوا لكل ما اختلف عنا أن تردوا

الینا »^(۱).

امام صادق علیه السلام در این روایت ارجاع موارد اختلافی به اهل بیت علیهم السلام و نیز تسلیم فرمان ایشان بودن شیعیان را « قرءة العين » می‌شمارد. « قرءة العين » در این روایت هم چشم روشنی خود معصومین علیهم السلام و هم روشنایی چشم مؤمنان را بیان می‌نماید. به این بیان که از مصادیق روشنایی چشم این است که اولاً تسلیم ما اهل بیت علیهم السلام باشید شما وقتی تسلیم ما شدید چشم ما به وجود شما شیعیان روشن می‌شود و اگر چیزی از ما شنیدید که مورد اختلاف است آنان را به اهل علم واگذارید اگر چنین شیعیانی شدید چشم ما روشن می‌شود و اگر خودتان هم چنین احساسی کردید که اولیایی دارید که خود را کاملاً تسلیم آنها کرده‌اید چشم شما هم روشن می‌شود که صاحب اختیاران و اولیایی دارید که در هر حال از شما حفاظت می‌کنند. یک مصداق دیگر باز هم از امام صادق علیه السلام است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرموده‌اند:

« الطاعة قُرَّةُ الْعَيْنِ »^(۲).

مطیع خدا بودن موجب روشنایی چشم است.

۱- بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۲۰۴.

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۲۵۷.

برخی آثار اطاعت از خداوند

طاعت آثار بسیاری دارد. روایاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده
« الطاعة عزّ المعسر »^(۱).

اطاعت از خداوند مایه عزّت و سربلندی انسان گرفتار است.
آدم گرفتار اگر می‌خواهد عزیز باشد باید مطیع خدا باشد.
در روایت دیگری امام می‌فرماید:
« الطاعة تدفع غضب الرب »^(۲).

اطاعت از خداوند آتش خشم خداوند را خاموش می‌کند.
بنده‌ای که مطیع خداوند است چشمش در دنیا و آخرت روشن می‌شود.
در روایت دیگری رسول گرامی اسلام می‌فرماید:
« حبيب إليّ من دنياكم النساء والطيب وجعل قرة عيني في الصلاة »^(۳).

من از دنیای شما زنان و بوی خوش را دوست دارم و نور چشم من در نماز
قرار داده شده است.

فرازی که مربوط به زنان و بوی خوش می‌باشد شاید تأکیدی بر عدم
وجود رهبانیت در اسلام باشد.

۱- بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۱۴۱.

۲- غرر الحکم، ص ۱۸۴، حدیث ۳۴۹۴.

۳- غرر الحکم صفحه ۱۸۲، حدیث ۳۴۲۷.

همچنین تلاش آغازین حضرت برای بستن دکان دین فروشان و زهد
فروشی‌های صوفی‌گرایانه را نشان می‌دهد. فراز دوم جایگاه نماز نزد
پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نشان می‌دهد. حالاتی که از ایشان هنگام نماز نقل شده است
شوق و میل حضرت را به راز و نیاز نشان می‌دهد. در تکمیل معنای
«قرة العین» در روایت دیگری می‌فرمایند: «لقاءك قرّة عيني»^(۱) عبادت،
نماز و دیدار با معبود نور چشم مؤمن است کسی که برای لقاء خداوند لحظه
شماری می‌کند مانند انسان عاشقی است که تمام وجودش مشتاق وصال است
و وصالی که نه با چشم سر بلکه با چشم دل دیده می‌شود. آخرین معنایی که
برای «قرة العین» از منظر روایات ذکر خواهیم کرد معنایی است که
امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه فرموده‌اند. ایشان رفیق راه، دوست و
مصاحب خوب را «قرة العین» معرفی نموده‌اند. کسی که هدف خاصی را
دنبال می‌کند و به دنبال انجام کار مهمی در این دنیا است قطعاً همراه
می‌خواهد. وجود دوست خوب بر احتمال موفقیت او خواهد افزود وجود
دوست خوب به معنای وجود انرژی مضاعف در کار و استفاده از مشورت و
راهنمایی است که بر میزان موفقیت هر کسی اثر گذار است.

درخواست امید

دومین خواهش امام عَلَيْهِ السَّلَام از ذات اقدس ربوبی در پایان این مناجات

۱- میزان الحکمه، صفحه ۱۹۰۷.

این است :

« ومن رجائك بما تطمئن به نفسي » .

خدایا آنچه‌ای که من در سایه‌ی این امید در دل به
طمأنینه و سکون دست یابم .

در اول این مناجات در مورد اصل امید و رجاء صحبت کردیم . امید
نیرومندترین وسیله‌ای است که می‌تواند صعود و دسترسی به هدف و کمال را
برای انسان تسهیل کند .

آنچه مهم است این است که این امید به چه نقطه‌ای باید باشد ؟ امید
باید به جایی باشد که قادر مطلق و واحد بی چون و چراست . امید به کسی یا
چیزی که خود ناتوان و نیازمند است عین بی‌خردی است .

خدایا این قوه‌ی امید را آنچه‌ای که در من تقویت کن که دل و نفس از
آرامش و طمأنینه و سکون برخوردار شود . وقتی دل آرام گرفت و سکون
محقق شد نتیجه این می‌شود که انسان می‌تواند به وظایفی که برایش مقرر
شده عمل نماید و آن مسیری که باید طی کند را با موفقیت پشت سر بگذارد .
اگر انسان مطمئن باشد و آن آرامش و سکونی که در نظر امام علیه السلام است بر دل
و جان او حاکم شود طبعاً او دیگر دچار اضطراب برای رزق نیست دچار
دلشوره برای معیشت نیست ، گرفتار وسوسه‌های نفسانی برای رسیدن به
قدرت نیست ، دچار هواها ، هوسها و امیال زود گذر نخواهد بود ، وقتی دل
مطمئن و آرام شد دیگر انسان هیچ دغدغه‌ای و هیچ مشکلی و مصیبتی در

زندگی احساس نخواهد کرد یعنی چیزی به اسم مشکل برای او وجود ندارد.
لذا در دعای مکارم الاخلاق امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

« واكفني ما يشغلني الاهتمام به واستعملني بما تسألني غداً عنه
واستفرغ ايامي في ما خلقتني له واغني ووسع عليّ في رزقي » .
خدایا آنچه که ذهن مرا مشغول می کند خود، کفایت نما. و مرا به کاری
بگمار که فردایم از آن پرسش می کنی و روزگرم را در راه هدفی که مرا برایش
خلقت فرموده ای خالی دار و مرا بی نیاز فرموده وسعت روزی عنایت فرما.
به طور طبیعی انسان در هر مرحله ای از زندگی دل مشغولی خاصی
دارد. امام علیه السلام تمام در این گرفتاری ها و مشکلات از خدا کمک می خواهد و او
را به عنوان کافی^(۱) مهماتش می خواند. امام علیه السلام در این دعا به ما آموزش
می دهد که امیدی طلب کنید که آرامش قلب به همراه داشته باشد. اگر کسی
فاقد این امید و آرامش باشد و مرتب اضطراب و ترس از مشاکل دنیا بر او
حاکم باشد در واقع تکلیف خود را در زندگی انجام نخواهد داد. چنین انسانی
نمی داند در زندگی باید چه کاری انجام دهد. خداوند می فرماید:

﴿ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾ (۲).

با یاد خدا قلب آرامش می یابد.

ایمان مشتق از ماده امن است مؤمن یعنی کسی که دلش سرشار از

۱- کفایت کننده، بی نیاز کننده.

۲- سوره رعد، آیه ۲۸.

آرامش است، دلش مالا مال از سکون و اطمینان است. لذا وقتی اعراب آمدند و گفتند ﴿آمَنَّا﴾ دستور آمد که،

﴿قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (۱).

ای رسول خدا به آنان بگو همانا ایمان نیآورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم و ایمان در قلوبتان وارد نشده است.

اما متعلق این ایمان و رجاء چیست؟ ممکن است کسی به خالقیت و یا واحدیت مؤمن باشد که قطعاً این دو لازم هستند اما کافی نیستند. باید انسان به خالقِ واحدِ رزاقِ رحمانِ رحیمِ مدبّرِ وکیل و کسی که همه شئون انسان را عهده دار است، مؤمن باشد. که این ایمان ثمره امید و آرامش است. ایمان باید تمام قلب را مال آمال و آکنده سازد به گونه‌ای که جایی برای ورود اغیار نباشد. قلبی که سرشار از آرامش و ایمان گردید در این دل دیگر جایی برای اضطراب و حب مقام و ریاست باقی نخواهد ماند.

لذا حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

« قلوبٌ خلت عن ذکر الله فاذا قها الله حبٌّ غیره » (۲).

قلوبی که از یاد خدا تهی گردند خداوند طعم دوستی غیر خدا را به آنها می‌چشاند.

قلب انسان نمی‌تواند خالی بماند دل باید به نور ایمان و محبت به خدا

۱- سوره حجرات، آیه ۱۴.

۲- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۱۵۸.

و امید به او و اطمینان و توکل به او سرشار شود و الا محل اضطراب و نگرانی و دلشوره می شود .

سومین خواهش امام علیه السلام از خداوند این است :

« ومن اليقين بما تهوّن به عليّ مصيبات الدنيا » .

خدایا یقینی به من عنایت فرما که به وسیله آن تحمل مشکلات دنیا بر من آسان گردد .

یقین چیست ؟ اهل لغت یقین را از اوصاف علم گرفته اند راغب

می گوید : « سکون الفهم مع ثبات الحكم » . رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید :

« خير ما القى في القلب اليقين »^(۱) .

بهترین موهبتی که در قلب جای می گیرد یقین است .

روایت جالبی را جابر بن یزید جعفی نقل می کند . ایشان از اجلاّی

اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام می باشد او کسی است که در حالاتش نوشته اند که گفت :

« حدّثني أبو جعفر عليه السلام تسعين ألف حدیثاً لم احثّ بها أحد

قطّ »^(۲) .

امام باقر علیه السلام نود هزار حدیث را برایم بازگو نمود که احدی را از این احادیث

مطلّع ننمودم .

۱ - بحار الانوار جلد ۶ صفحه ۱۷۳ .

۲ - مستدرک الوسائل ، صفحه ۲۹۹ .

با توجه به این روایت ایشان که از اصحاب سرّ امام علیه السلام بوده‌اند از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند :

« قال يا أخا جعفي : انّ اليقين أفضل من الأيمان وما من شيءٍ أعزُّ من اليقين »^(۱).

یقین از ایمان برتر است و هیچ چیزی گرانبه‌تر از یقین نیست. ایمان خیلی خوب و لازم است اما آنچه برتر از ایمان است یقین است. معمولاً هر شی‌ ارزشمند خیلی کم است اصولاً علت ارزش اشیاء عزّت وجودشان است شما ببینید ما فلز در عالم خیلی داریم چرا از همه فلزات به حسب متعارف طلا از همه گرانت‌تر است برای اینکه عزیزتر و کمیاب‌تر است چرا صدف گرانبه‌است برای اینکه به سختی بدست می‌آید. در مورد یقین هم فرمودند :

« ما من شيءٍ أعزُّ من اليقين » ولی « إذا أراد الله بعبد خيراً فقهه في الدين والهمّة اليقين »^(۲).

اگر خداوند برای بنده‌ای نیکویی بخواهد او را در دین عالم می‌نماید و به او یقین عنایت می‌کند.

اگر شی نادر و کمیابی را هم خدا بخواهد به دلی بیفکند، می‌افکند اما باید دل را آماده و مستعدّ برای پذیرش نمود. دل سیاه، دل آلوده و گناهکار و

۱ - مستدرک الوسائل جلد ۱۱ صفحه ۱۹۷.

۲ - مستدرک الوسائل جلد ۱۱، صفحه ۱۹۹.

سوء ظنی و دلی که همیشه برای دیگران بدی می‌خواهد، این قلب مهبطِ هبوط و نزول این گوهر گرانبهای دستگاه آفرینش نیست. این دل نمی‌تواند نگهدارندهٔ یقین باشد.

نمونه‌ای از یقین را می‌توان در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام دید، حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست تا نحوهٔ زنده شدن مردگان را به او نشان دهد. خداوند فرمود آیا ایمان نداری؟ حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: ایمان دارم اما می‌خواهم قلبم اطمینان یابد. در روایاتی که ذیل این آیات از اهل بیت علیهم السلام بدست ما رسیده این گفتار حضرت ابراهیم علیه السلام را درخواستی از طرف ایشان برای افزایش یقین دانسته‌اند. حضرت ابراهیم علیه السلام به درجه‌ای از یقین می‌رسند که وقتی فرمان می‌رسد باید تنها فرزند خود را قربانی کنی لحظه‌ای در اجرای فرمان الهی تردید نکرد. این تصمیم در اجرای فرمان الهی و عدم تزلزل ولو برای لحظاتی ناشی از یقین است. این همان یقینی است که امام سجاد علیه السلام از خداوند طلب می‌کند که با کمک آن مصائب دنیا قابل تحمل گردد. در واقع اولین ثمرهٔ عینی یقین همین است که مصائب دنیا در نظر انسان کوچک جلو می‌کند زیرا دل در گرو محبت وجود لا یتناهی است و این دل دیگر غصهٔ کمبودها و مصائب را نمی‌خورد. کمی درآمد، بیماری، نداشتن اجاره خانه و ... ذهن او را مشغول نمی‌کند و او را از هدف اصلی زندگی که دستیابی به کمال است باز نمی‌دارد.

نمونه کامل این یقین و آرامش و طمأنینه را انسان در روز عاشورا در

رفتار حضرت سید الشهداء علیه السلام به خوبی می بیند. ایشان در یک روز در مقابل دیدگان خود تمام عزیزان خود را قربانی کرد. با وفاترین اصحاب یک به یک به میدان رفتند و به شهادت رسیدند. از جوان برومندش حضرت علی اکبر علیه السلام گرفته تا طفل شیر خوارش در مقابل چشمان مبارکش در خون غلطیدند و در پایان کار که بر روی زمین کربلا افتاده بود جز ذکر خدا و اعلام رضایت نسبت به آنچه اتفاق افتاده است کسی از ایشان چیزی نشنید. این مرحله تمام و کمال یقین است که مصائب دنیا را در مقابل انسان خوار می نماید.

در پایان سخن با توجه به اینکه در پایان سال تحصیلی هستیم و تعطیلات طولانی در پیش روی عزیزان است از همه عزیزان می خواهم در این فرصت نسبت به اندوختن ذخیره علمی و جدا نشدن از فضای علمی و مباحثه دقت داشته باشند. همچنین کسانی که به محل سکونت خود باز می گردند از این فرصت برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و ارشاد مؤمنین استفاده نمایند.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

... مقداری از این طرز تفکر فرزندان و نگرش
منفی آنان نسبت به روحانیت به مشکلات
اجتماعی باز می‌گردد. ولی مقدار عمده آن به
سلوک این آقا در خانواده باز می‌گردد. اگر
سلوکش، مطابق با موازین اخلاقی و شرعی باشد
قطعاً برای فرزند جاذبه خواهد داشت و او نیز در
این مسیر حرکت خواهد کرد. والا فرزند چه دختر و
چه پسر گریزان خواهند شد.

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹